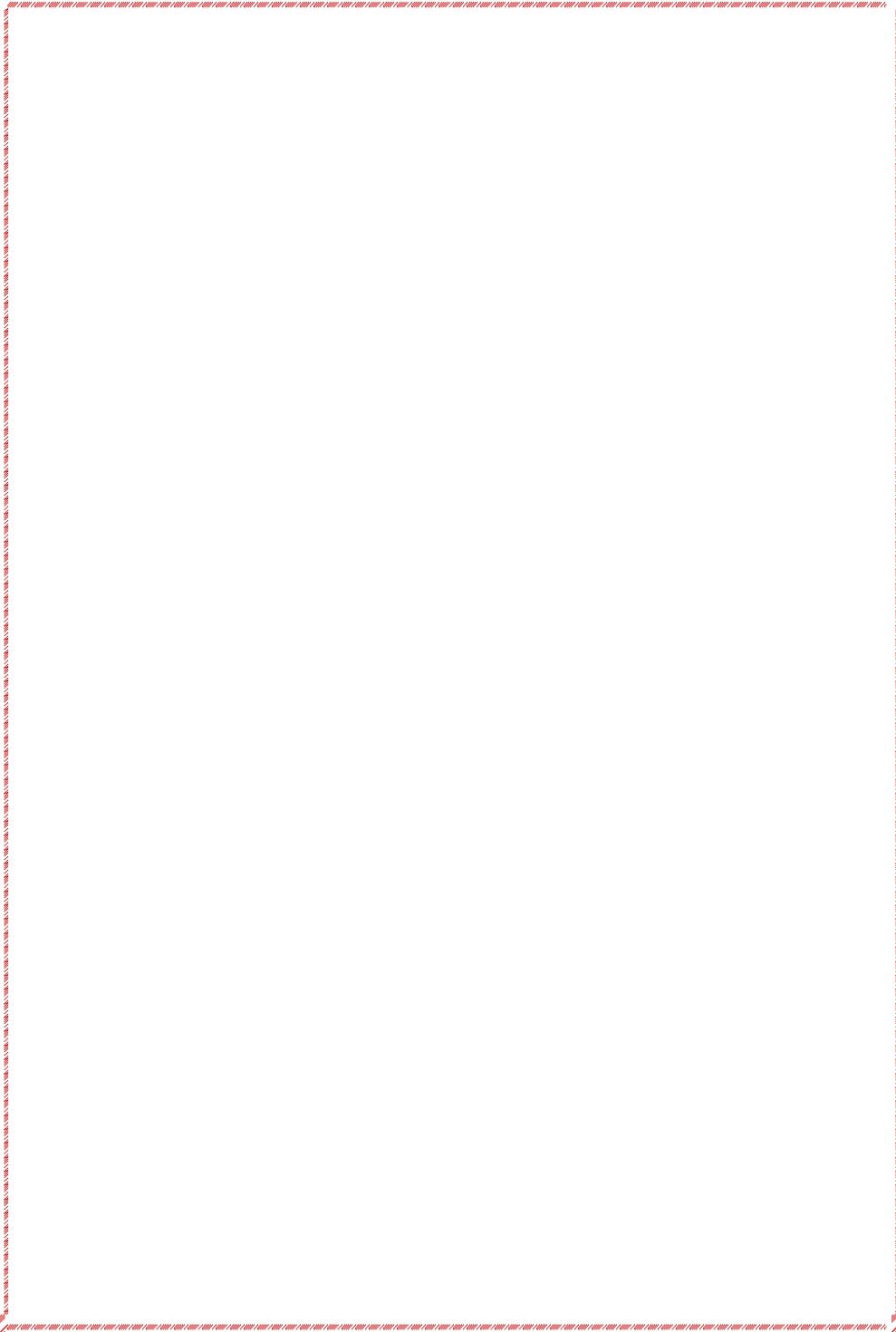


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



تاملات

مؤلف: مرجان میرشمشیری

سرشناسه	: میرشمشیری، مرجان، ۱۳۵۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: تاملات/مؤلف مرجان میرشمشیری.
مشخصات نشر	: تهران: نارون دانش، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۴۳ص.
شابک	: 978-622-6632-68-3
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: قطعه‌های ادبی فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	: *Literary passages, Persian -- 20th century
موضوع	: نکته گویی‌ها و گزینہ گویی‌ها
موضوع	: Aphorisms and apothegms
رده بندی کنگره	: PIR۸۳۶۱
رده بندی دیویی	: ۸۶۲/۸فا
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۷۷۲۴۳۶

<p>آدرس: میدان انقلاب اسلامی، خیابان کارگر شمالی، خیابان نصرت شرقی، پلاک هفتاد و دو، واحد یک شماره تماس: ۰۹۲۲۴۰۱۳۷۰۴ و ۰۲۱۶۶۹۳۲۲۴۵ آدرس الکترونیکی: narvanpub@gmail.com آدرس سایت: www.narvanpub.com</p>	
--	---

عنوان کتاب: تاملات
مؤلف: مرجان میرشمشیری
صفحه‌آرا: اکرم ملک نژاد
طراح جلد: الویرا صیامی
ناشر: انتشارات نارون
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۸
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان
ISBN: 978-622-6632-68-3

تاملات ♦ ۵

زندگی رویدنیست. آن چه شتاب دارد، نامش زندگی نیست. زندگی از پس موقعیت‌ها بر می‌آید. از فراز و فرود افق‌ها. برآمدن و بالیدن شرمساری ندارد.

۲۸ نوامبر ۲۰۱۴

در جایی که همه شبیه هم‌اند، اقلیتی وجود ندارد. اقلیت بودن، در تشخیص و تمایز است. این دو نیز، نه به رنگ چهره و نوع تکلم، که به حرکات و سکنات و ترجیحات، بسته است. اقلیت بودن، فلسفیدن است. برگزیدن است. به حاشیه رفتن و به قلب جمعیت زدن. حفظ استقلال خود است همگام با فشردن دست دیگری. دیگری انسان. دیگری حیوان. حتی جماد و چیدمانش.

۵ مارس ۲۰۱۵

و در تحلیل نهایی، عقل سازه ایست انسانی. بی «ما به ازای بیرونی». ایستا!
اگر که میل ماست. پویا! اگر که میل ماست.
و " ما اتفاقی هستیم که افتاده‌ایم. "
و تمام معنای فرهنگ همین است: سازوار تر کردن یک سازه‌ی انسانی.

۱۳ مارس ۲۰۱۵

برای دمیدن در روح اسطوره، حداقلی از عقلانیت در جامعه لازم است؛ وگرنه،
افراد ممکن است با استدلال قیاسی، اسطوره را حقیقت مطلق بپندارند و از
عمل بازمانند.

۱۵ مارس ۲۰۱۵

تاملات ♦ ۷

موسیقی، قلب تپنده‌ی زندگیست. موسیقی، خود را صیقل می‌دهد و ناخود را می‌پروراند. موسیقی، از جنس صداست و صدا! جنس زندگی. صدای غنی‌تر، عصر پربارتر.

واژگان به تنهایی، اثر بطنی دارند آن هم در جوامع سترون؛ و اگر بنا بود کاری صورت گیرد، تا حال، گرفته بود. صرف ادبیات، ره به مقصود نمی‌برد، کما این که نبرده است.

صدا، غناست. غنای زندگی. "صدا، صدا، صدا، تنها صداست که می‌ماند".

۱۴ آوریل ۲۰۱۵

می‌توانست جنون، شکل رایج زندگی باشد. کسی چه می‌داند؟ آنگاه آسایشگاه روان، جایگه منطقیون می‌بود! و امر شگفت‌انگیز عادی می‌نمود. صورتی از زندگی که رایج است، تنها یکی از میلیون‌ها صورتی است که می‌توانست باشد و شاید هم مضحک‌ترین آن!

۳ ژوئن ۲۰۱۵

شدت و شیوهی تمایلات جنسی انسان با دیگرگونه‌ها متفاوت است؛ بسیار هم متفاوت است؛ چرا؟ چون، انسان، بیش از طبیعت، فرزند فرهنگ است و زبان نیز، مادر فرهنگ! غرایز کنونی انسان، صورت کژ ریخت شده‌ی غرایزی نخستین‌اند. این غرایز در طی هزاران سال، از صافی هزاران نماد و نشانه و نهاد گذشته‌اند تا بدین جا رسیده‌اند. قرمز، قرمز است ولی قرمز فرهنگی، بارِ انگیختگی دارد. صدا صداست ولی در فرهنگ، بارِ التهاب دارد و مهر ورزی، دوست داشتن انسانی دیگر است ولی در فرهنگ، بارِ پیوستگی بدنی دارد. ما بیش از آن که آزاد شویم، به تدریج، برده شده‌ایم. برده‌ی فرهنگ و متعلق‌اتش. فرع را اصل پنداشته‌ایم و نمی‌دانیم چه میزان از این تمایلات محصول طبیعت و چه میزان، محصول فرهنگ است؟

و انسان " انسان پوک پر از اعتماد" برای آزادیِ بردگی خود، چنان می‌جنگد که گویی برای آزادی از بردگی می‌جنگد.

۳ سپتامبر ۲۰۱۵

تغییر، اساس پایداری است. تغییر استعداد است، نه انعطاف...

۹ دسامبر ۲۰۱۵

تاملات ♦ ۹

همگام با اندیشمندانِ دِگر، باید بیان داشت که به احتمال قوی، هبه، و نه نیاز، نخستین علت تبادلات کالایی بوده است.

۱۸ فوریه ۲۰۱۶

اغلب بیماری‌های روان، بیماری زبان است و زبان، سیاسی‌ترین پدیده‌ی عالم انسانی. جنگ طلبی، زبان است و صلح طلبی نیز؛ و من تمام هراسم این است که صلح طلبی، مُد روز باشد و کوچکترین اخگر ملی گرایانه زیر و زبَرمان کند. یادمان نرود «کبوتر صلح» را پس از نبرد لنین‌گِراد.

۱ اوت ۲۰۱۶
